

نگاه

«فوتبال فردا» و «دعاهای دیروز»

امسال هم بعله؟



چقدر سخت است که تشت ادعاهایت این گونه بر زمین بخورد. این گونه در یک برنامه تلویزیونی کارهای نیمه‌محرمانه چند سال قبل بیابندرو، دیده شوند. هم بخورند، پخش شوند. دست به دست بگردند. مشخص شود که همه آن ادعاها که داشتی پوچ بود. که همه آن تعویض‌های لیورپول‌وارت،

دستمایه رقص تاس ایجادبازی پیش نبود، که همه آن ادعاها که می‌گفتی و همه آن فسانه‌ها که در گوش ما می‌خواندی، هیچ بود و پوچ. حرف مفت انگار. بیاد هوا. حالا همه ایران تو را شناخته‌اند مربی. نگاهت می‌کنند. سابقه مربیگری‌ات را بررسی می‌کنند. سابقه اخراج شدن‌ها و نتیجه نگرفتن‌هایت را دیگر نه به حساب بالا پایین داشتن فوتبال که به حساب ناخوانا بودن دستخط رسال یا خوب نبودن جنسش می‌گذارند و نتیجه گرفتن‌ها یا قهرمان شدن‌هایت را هم لابد می‌گذارند پای جا افتادن کلمات ابجد کنار همدیگر. تو که قرار بود پای تخته برای ما از فوتبال فردا حرف بزنی چرا ترکیبت را با دعای دیروز انتخاب می‌کردی برادر؟ چقدر سخت است تلویزیون را باز کنی، بازیکنان دهه هشتاد را ببینی که نشسته‌اند و همه تشت‌ها را انداخته‌اند داخل آب! چقدر دشوار است که ببینی یکی‌یکی دارند جزئیاتی را بیان

می‌کنند که تو همیشه می‌کوشی فراموش کنی. چقدر دشوار است که ببینی دارند میثالی را که آن گونه به دست آورده بودی این گونه در برنامه زنده سلاخی می‌کنند.

حالا چه می‌کنی برادر؟ به بازیکنانت که فکر می‌کردند موفقیت‌هایشان اثرات جوانی و شور و نشاط و تلاش‌هایشان است چه می‌گویی؟ حالا همه ایران دارند از آنها و از تو و از دستیاران و نزدیکان و بازیکنانت می‌پرسند که نکند امسال هم کسی نام مادرهایشان را از آنها پرسیده باشد! حالا همه دارند به این فکر می‌کنند که اعتماد تو به آنها بابت لیاقت ذاتی‌شان است یا اینکه نکند نام‌شان در «سیستم ایج‌دینگ» خوب درآمده

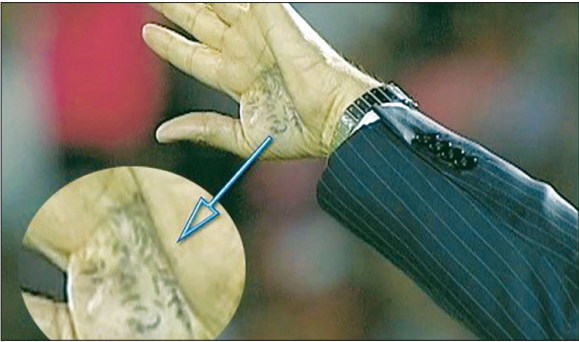
که دارند بازی می‌کنند! بگذار ما همان سوالی را بپرسیم که کل لیگ از تو می‌خواهند بپرسند: «امسال هم بعله آقای مربی؟»



نود

تضاد در اهداف و نیات برنامه ۹۰

شفاف‌سازی وقتی همه خوابند!



چقدر به این موضوع که ساعت پخش برنامه ۹۰ اینقدر دیر است فکر کرده‌اید؟ آیا این ساعت پخش آگاهانه انتخاب شده است؟

به‌رغم اینکه تا این ساعت بیدار ماندن در تمامی نصایح بهداشتی منع می‌شود و رفتن به رختخواب نهایت در ساعت ۲۳ توصیه می‌شود، این برنامه پربیننده در این ساعت استارت‌می‌خورد و بهترین برنامه تلویزیونی اعلام می‌شود و صاحب جایزه در سال‌های متمادی می‌شود. تضادهای فوق را چگونه باید توجیه کرد؟ چرا صدا و سیما دیدن برنامه ۹۰ یا بهترین برنامه تلویزیونی خود را از مخاطبان خود دریغ می‌کند؟ نکند این ساعات یعنی بین ساعات ۲۳ شب تا ۲ بامداد روز بعد پیک بیداری این ملت است و خجالت می‌کشیم آن را با توجه به عدم رعایت نکات بهداشتی در بین اقشار جامعه افشا کنیم؟ از نظر اقتصادی نیز این برنامه از درآمدزاترین برنامه‌های تلویزیونی است، آیا تهیه‌کنندگان این برنامه در صدد کسب درآمد بیشتر این برنامه با انتقال ساعت آن مثلاً از

روایتی متفاوت از کاپیتان سابق سایپا درباره آقای جادوگر

به زور می‌خواست به من انجیر بخوراند



چون می‌خواست قبل از بازی به زور به من انجیر بخوراند. ظاهر اقبل از من به تعدادی از بچه‌ها انجیر خورانده بود. بعد که امتناع من را دید گفت من کلاً با تو مشکل دارم و نمی‌توانم طلسمت کنم. من هم به این شخص گفتم اعتقادی به سحر و جادو ندارم. من نماز می‌خوانم. پس دیگر دور و برم پیدایت نشود. بحث ما داشت بالا می‌رفت که یکی از هم‌تیمی‌ها من را گوشه‌ای برد تا موضوع حادث نشود. «

آری، داستان به همین شکل بوده که ابراهیم میرمحمدی تعریف می‌کند. جالب است که سرمربی وقت آقای م. ت. همیشه پای اعتقادات را هم وسط می‌کشید اما ظاهراً او در نهان هیچ اعتقادی نداشت و تنها توسلش به همین افراد جادوگر بی‌مایه بوده تا شاید به موفقیت‌هایی در تیم سایپا برسد که هیچ‌گاه هم نرسید. میرمحمدی درباره حال و هوای آن روزهای باشگاه سایپا توضیحات جالب‌تری دارد: «آن زمان یادم می‌آید که بعضی افراد ره

نظر

وردی که جادوگرها می‌خوانند:

ما را جادو خواهند کرد!



به محافل اعبانی و بزرگان هم کشیده شده بود. انواع فال گیرها، دعانویس‌ها، طالع‌نویس‌ها و دکترها که هریک با روش‌های عجیب مدعی تغییر سرنوشت‌ها بودند. این سلسله حتی فراتر می‌رود به عرفان‌های کاذب و امور معنوی که هم کشیده می‌شود. خلاصه کلام اینکه در جامعه ما گویا آن وجه عقلانی روشنگری چنان رشد نکرده‌است، هنوز نیاز به نیروهایی وجود دارد که با سازوکارهای متافیزیکی سرنوشت ما را رقم زنند؛ خواننده‌ها و شنیده‌ها هم از حضور فراوان این روال‌ها در جامعه می‌گویند. هیچ‌وقت نباید فوتبال را جدا از سایر مناسبات اجتماعی تحلیل کرد. وقتی چنین خواست و جایگاهی برای جادوگری (در صورت‌های مختلف آن) در جامعه وجود دارد، طبیعی است که در فوتبال هم خود را نشان دهد. ما هنوز برای این نیروهای فراطبیعی قدرت‌قائلیم. هیمه‌ان‌ها هنوز نشکسته‌است. شاید هم در بسیاری موارد ریشه ارجاع به جادو ناشی از ترس باشد. ترس از شکست و حتی نابودی در صورت ناپدیدگیری آنها، که اگر به این افراد بی‌اعتنایی کنیم ما را جادو خواهند کرد. نتیجه این می‌شود که جادوگرها ترکیب و سیستم تیم‌ها را می‌چینند. گویا ما کماکان به بسط پروژه عقلانیت و روشنگری نیازمندیم.

یادداشت

مانورهای فوتبالی با بلایای طبیعی

تا جام جهانی بعد به زیر میز می‌رویم

بازی باید شبیه بازی دوستانه و تدارکاتی می‌بود، داستان رویارویی زمین مهاجم و ساختمان‌های مدافع. اما این بار مانور نبود، بازی واقعی بود و سایه‌زنی در کار تمرین نبود. در این بازی واقعی سخت باختیم و داشته‌هایمان در غرب کشور همه

به باد فنا رفت.

مانور زلزله، سایه‌زنی تمرینات دفاع در مقابل تهاجم زمین با واقعیت‌های موجود نمی‌خواند، تمرین را جدی نمی‌گیریم، با این امکانات تمرین کردن مفهومی ندارد، تاکتیک اتخاذی‌مان سر را در میان دودست قرار دادن و رفتن به زیر میز است. برنامه‌ای ابتدایی در حد خنده‌های زیر میز. به زیرساخت‌ها نظری نمی‌اندازیم، بزرک دوزک ظاهری می‌کنیم و وقتی موعد امتحان و محک حمله حریف و ترفندهایش می‌رسد، به نامادگی محض‌مان بی‌می‌بریم. مانورهای فوتبالی‌مان هم همچون مانورهای مواجهه با بلایای طبیعی است. در مانورهای فوتبالی‌مان هم درصدد پیدا کردن ضعف‌هایمان نیستیم. تمام مانورها را با موفقیت پشت سر می‌گذاریم و وقتی با زلزله فوتبال آلمان و اسپانیا و تیم‌های آمریکای جنوبی روبه‌رو می‌شویم و به زیر میز می‌رویم، ساختمان متزلزل تیمی‌مان، با اسکلت‌های ضعیف و ناهمگونش فرو می‌ریزد و جملگی در زیر بار سنگین ساخته‌های آبکی‌مان مدفون می‌شویم.

به نظر می‌رسد باید از جایی شروع کرد، تداوم و ماندگاری ساخته‌هایمان را در برابر حملات شبیه به واقعیت و مانورهای واقعی مورد ارزیابی قرار دهیم تا اندازه‌هایمان مشخص شود. فایده این مانورها این است که سکان کار در دست خودمان است و بار مالی و جانی آنچنانی ندارد. در مواجهه با بلایای طبیعی سکان دست دیگری است.

برای پی بردن به استحکام ساختمان فوتبال‌مان باید با تیمی زلزله‌وار پنجه‌درپنجه شویم، بازییم تا نقاط ضعف‌مان هویدا و روشن شود. این رودررویی خود برنامه‌آتی‌مان را تا شروع بازی‌های جهانی ترسیم می‌کند.

فوتبال ما متأثر از فرهنگ‌مان و وابسته به قضا و قدر است، قضا و قدرمان را به اولین دیدار رسمی در روسیه موکول می‌کنیم، بردیم فیها و اگر باختیم که چیزی را از دست نمی‌دهیم، پیدا کردن صاحب قصور که سخت نیست، یکی را قربانی می‌کنیم و تمام نارسایی‌ها را به او نسبت می‌دهیم و الحمدلله که همه فراموش‌کنند و تا جام جهانی بعد و زلزله فوتبالی بعد به زیر میز می‌رویم و شوخی و خنده.

گزارش بازی

هفته دوازدهم لیگ برتر			
چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۳۹۶			
گسترش فولاد	-	استقلال خوزستان	۱۴:۳۰
پیکان	-	صنعت نفت آبادان	۱۵:۱۵
دوشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۶			
سپیدرود رشت	-	ذوب‌آهن	۱۴:۳۰
سپاهان	-	تراکتورسازی	۱۴:۴۵
سیاه‌جامگان	-	استقلال	۱۴:۴۵
نفت تهران	-	سایپا	۱۵:۱۵
فولاد	-	پارس جنوبی جم	۱۶:۳۰
پرسپولیس	-	پدیده	۱۷:۳۰

پریختگان

باطل السحر

بله آقا! بادی وزید گلی پرپر شد! این ایتالیای خوش‌پوش هم به دست متخصصان توانمند داخلی و مایلی‌کهن‌های وطنی حذف شد تا آقا بوفون با چشمانی اشکبار از فوتبال خداحافظی کند. البته دمش گرم که علی دایی بازی درنیاورد که حضورش را تا جام‌جهانی ۲۰۲۲ تمدید کند و همانجا از داخل ورزشگاه خداحافظی کرد که بعداً حرف و حدیثی پیش نیاید! در مورد حذف ایتالیا بحث زیاد است. طبیعی است وقتی شما یک آدم پشندی را روی نیمکت خودتان می‌گذارید که می‌خواهد با تفکرات زمان مرحوم موسولینی فوتبال را اداره کند، نتیجه‌اش چیزی بهتر از این نخواهد بود. همچنین رواج قلیان در فوتبال پایه و پولکی شدن بازیکنان و بیرون ماندن پیشکسوتان اصیل فوتبال ایتالیا از باشگاه‌ها و پولکی شدن مدارس فوتبال هم یکی دیگر از دلایل ناکامی ایتالیایی‌هاست. اما آن چیزی که مشخصاً باعث شد ایتالیا در این بازی پلی‌آف، نتواند بر سوئد بدون زلاتان غلبه کند، یک دلیل بیشتر ندارد! دلایلش هم این است که سوئدی‌ها سحر و جادو کرده بودند. روی خط دروازه‌شان پودر ریخته بودند، منتها ایتالیایی‌ها کنار زمین و در میان توپ‌جمع‌کن‌ها باطل السحر نداشتند. روی سکو هم بچه‌ای در کار نبود و فقط اولیا در ورزشگاه حضور داشتند. یکی دو تا بچه را هم پیدا کردند ولی متأسفانه دیر شده بود و آنها باطل السحر را خرج کرده بودند رفته بود پی کارش! حالا شما هی به رفتار آن کمک مربی رفسنجانی یا کرمانی برنامه ۹۰ بخندید که داشت بطری را کنار زمین خالی می‌کرد. همین آدم روی نیمکت ایتالیا نشسته بود الان بوفون داشت لیختن زد!